

پلخمون

قیمت: قبلاً حساب شده:

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا:

هیچ کس نمی تواند
نتانیا هورا متوقف
کند

این فلی گاهه
الان همه مون رو
به فنا میره!

ایلان ماسک

گوتزش، دبیرکل سازمان ملل

بایدن

ما هم غی رو نیم
هرامتوقف غی ره!



کاژون محمدعلی رجی

کلیک / صفحه ۸

راهکارهای
مراقبت از بازار

گیر کی / صفحه ۴

خاطرات یک فوتبالیست

سر کی / صفحه ۲

کشتیم شپش
شپش کش شش پارا!

کشتیم شپش شپش کش شش پا را!

● مُگم زن! نِمِدُنم چی کارم رفته که ایقَدَر جوئم مُخاره؛
میگی یک چیزایی زیر لباسای بزم جُل جُل مُکَن!
● پس که دیر به دیر می ری حموم، تنت به خارش افتاده.
● نه یَره! مو که ناشور نیستُم؛ اَقَل کُندش ماهی یک دَفه
یک حموم مقبُولی مُرم؛ فِکِر کُنم ازای کُنجدسیاها که رخته
بودی تو! شِکَنه اوجیز، گرمی م کرده و جوئم مُخاره.
● کُنجد؟! من که توی غذا کُنجد نریختم!
اصلا توی خونه کُنجد نداریم!

● پس اوئخته سیاها که تو قِلِفَت
و دُوری تُو مُخوردن چی بود؟ هَم
تو اتاق بچه هایم یک عالم
تارت و پارتن. مو فِکِر کُردم
بچه ها اونجه غذا خوردن
ورختن به در و دیفال. هَم
نِگا! رو مُتکا و تختشایم
رخته.

● [جییییییغ!]
● ها؟! ناسن چی کارت زفت
زن؟! پری چی ایقَدَر جیغ
میکشی؟!
● مگه نمی بینی؟! بی چاره شدیم؛

همه زندگی رو شپش برداشته.
● شپش از کُجه؟ خنه ما که کُخ کُخ نداشت. ایقَدَر اِمشِی
مِزنی که یک کُوز هم تو خِتمایم، چی برسه به ایقَدَر شپش.
● حتما باز هم از سروکله دِخترامون دراومدن! مگه نشنیدی
مهر امسال همین ماه اول بازگشایی مدارس ۵۴۲مورد شپش
سر دانش آموزای دختر توی مشهد گزارش شده؟ تازه گفتن
توی ماه های دیگه بیشتر هم می شن. هر سال هم همین
آش و همین کاسه ست.

● یَره ما که بچه خُرد و بودم، مرفستادَنیمان مَرَدسه که اونجه
خانوم بهداشت بَرما بهداشت و تِمیزی یاد بده، حالا بچه ها
ر تِمیزی مرفستی مَرَدسه، شپش مِگیرن و مِگِردن؟! انا! واز جوئم
به خارشا افتاد!



صفحه ۲
۲۱ مهر ۱۴۰۳
شماره ۱۱۵

مَشَه ایچور بره؟! خسرو آبادیان

جهانی شدن اینترنت به سبک وزیر جید

مهر ۱۴۰۳: واکنش وزیر ارتباطات درباره کندی اینترنت:
کل دنیا دچار اختلال شده و این مشکل جهانی است.
(عصر ایران)

آبان ۱۴۰۳: سازمان هدفمندی یارانه ها درباره دیر
واریز شدن یارانه ها: یارانه معیشتی سیصد هزار تومانی
سرپرستان خانوار در تک تک کشورهای دنیا
ساعت ۲۴ به حساب آن ها واریز نشده و این مشکل
جهانی است.

آذر ۱۴۰۳: وزیر ورزش: در همه کشورهای دنیا دیدار پرسپولیس و استقلالشان پرحاشیه است
و در ورزشگاه آزادی همه آن کشورها درگیری اتفاق می افتد و شعارهایی می سازند که در آن از شیر
سماور استفاده شده است.

دی ۱۴۰۳: وزارت نیرو: نه تنها کشور ما، بلکه همه کشورهای دنیا رتبه دوم ذخایر گاز دنیا را دارند
و به طور خیلی طبیعی در همه آن ها هم مثل کشور ما قطعی و کمبود گاز اتفاق می افتد.

بهمن ۱۴۰۳: بانک مرکزی: در همه بانک های جهان خودکارهای کم رنگ خودشان را باغل و زنجیر
به باجه می بندند، ولی گاهی اختلاس های چند هزار میلیارد تومانی در برخی بانک هایشان اتفاق
می افتد.

سوسولیسیت یا فوتبالیست؟

اکتبر ۲۰۲۴: مدافع تیم ایپسویچ انگلستان دچار
مصدومیت عجیبی شد. او در حال ظرف شستن بود
که دستش را طوری برید که انگشتش در حال قطع شدن
بود. (ورزش سه)

نوامبر ۲۰۲۴: بامداد امروز همسر مدافع تیم ایپسویچ
به او گفت: حالا که تاتوی آشپزخونه رفتی، دوتا چایی هم
بریز بیار! البته اگه دچار سوختگی منجر به بستری شدن
در بخش سوختگی نمی شی و ما رو توی بیمارستان، ویلون و سیلون نمی کنی.

دسامبر ۲۰۲۴: ساعت ۹ شب گذشته همسر مدافع تیم ایپسویچ به جای اینکه به شوهرش بگوید:
«آشغال رو ببر دم در»، خودش آشغال ها را برد دم در. وی در پاسخ به خبرنگاری که از او پرسید: چرا
شما؟ گفت: ترسیدم همسرم آشغال ها رو از توی سطل برداره، همون لحظه دچار دیسک فقرات
یا خدانکرده قطع نخاع بشه.

ژانویه ۲۰۲۵: همان انگشت مدافع تیم ایپسویچ که قبلا دچار حادثه شده بود، دوباره صدمه دید و با
مشورت پزشکان تصمیم گرفته شد چند عمل روی انگشتش انجام شود. به گفته کسانی که سانحه
را دیدند، اوقف قطع انگشتش را داخل دماغش کرد و آن را چرخاند.

فوریه ۲۰۲۵: مدافع تیم ایپسویچ در پستی که از داخل بخش ارتوپدی بیمارستان منتشر کرد، نوشت
به سراغ من اگر می آید، نرم و آهسته بیایید.



کُخ تو کُخ منصوره احمدی

سفر رئیس مجلس شورای اسلامی به تاجیکستان

قربان مگه قرار نبود من بشینم؟ بعدشم
ضایعه، می کن خود رئیس مجلسشون پشت
رل نشسته. برای خودتون می گم.



باشه بابا بی تایی نکن، تابه جایی من می شینم.
برای بنزین و شام که نگه داشتیم، جاها عوض.

صحن علنی مجلس شورای اسلامی

این چرا یک ساعته عین اجل معلق
واستاده بالاسرت و نمی ره؟



به دادم برس مرد! دیدم سقف کارت سوختارو کردن پنجاه تا. باک
من هم که هفتاد تاست. گفتیم سی تومن سی تومن. کارتش رو گرفتم.
بیست تا با اون زدم. حالا گمش کردم. نمی دونم چطور بیچونم.

نخستین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش

فروریختن سقف مدرسه ای در اصفهان پنج دانش آموز مصدوم بر جای گذاشت. (همشهری آنلاین)



بله قربان، گویا تقصیر دانش آموزا
بوده. زیادی شلوغ کاری کردن. ضمنا
نیمکتا هم همگی سالمن شکر خدا!

پیگیری کردی ببینی علت فرو ریختن
سقف مدرسه چی بوده؟

مراسم الحاق تجهیزات جدید به پلیس و افتتاح اولین ایستگاه شارژ خودروهای برقی



فقط من نگران سیم شارژرم.
چند مترن به نظرت؟
تعقیب و گریز به پستمون
بخوره، سیمش بس می شه؟

رخشون که خیلی هشدار
برای کبری یازدهیه!

سامانه داماد من

باده صافی شد و مرغان چمن مست شدند
بوی بهبود ز اوضاع جهان می شنوم
ای عروس هنر از بخت شکایت منما
دل فریبان نباتی همه زیور بستند
موسم عاشقی و کار به بنیاد آمد
شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد
حجله حُسن بیارای که داماد آمد
دلبر ماست که با حسن خداداد آمد

حضرت حافظ وصف حال می فرمایند که از وقتی دوره شهرداری وی در یکی از شهرهای دور شده، مرغان چمن یعنی کارمندان شهرداری همه خوش حال هستند و کارهای خیلی اساسی و بنیادی انجام می شود!
در بیت دوم هم در ادامه می گویند در این دوره اوضاع شهرداری بهترتر خواهد شد و مدام خبرهای شاد می آید، مثل همین خبر فروش تابلوهای فلان موزه یا خرید اتوبوس های برقی از چین بامبلغ گزاف! (شادی آوردن یعنی پول فروش تابلوها را از دیبی آوردن و باد صبا هم کنایه از اتوبوس برقی است!)
در بیت بعدی حافظ اشاره می کند به حضور پررنگ تر داماد توانمند در مدیریت شهرداری. در مصرع دوم حجله حُسن همان سامانه جدیدی است که به جای سامانه «تهران من» توسط تیم اطرافیان داماد ایجاد شده و موسوم گشته است به سامانه «داماد من»!
در بیت بعدی می فرمایند همه دنبال جمع کردن ثروت و طلا و پول درآوردن هستند، ولی دلبر ما با توجه به توانمندی هایش فقط دنبال خدمت صادقانه و کمک به شهر و شهروندان است. حال اینکه منظور از دلبر خود آقای شهردار است یا داماد، خیلی مشخص نیست! (البته بعضی مفسران مصرع دوم بیت را به صحبت اخیر خداداد درباره طارمی و دعوا بر سر کاپیتانی تیم ملی هم ربط داده اند که بعید است صحیح باشد!)



در حاشیه آنچه در اتاق جنگ رژیم صهیونیستی پس از عملیات وعده صادق ۲ گذشت

کابینه اسقاطی

پلین: دوستان حمله تموم شد، یه آمار بدین، ببینم کی زنده است. هی می گم شیطونی نکنین ایران می زنتون، گوش نمی دین دیگه.

گلانت: به خیر گذشت آقا. من الان از پناهگاه پایگاه هوایی اومدم بیرون. به شدت دست شویی لازم بودم. دیدم خدا روشکر فقط توالنا سالم مونده.

تانیاهو: واقعا که! توفتی پناهگاه؟ من که مثل شیر و استاده بودم توی اتاق جنگ.

اسحاق مرزوق: بنیامین جان، تازه از پناهگاه اومدی بیرون، اون زیر اینترنت نداشتی و ندیدی که فیلم فرار همه جاپخش شده.

ها؟ یعنی محافظ احمقم از دم در حال فرار فیلم گرفته؟

آقا اینارو ولش کنین. چقدر خسارت خوردین؟ من چه جوری ماست مالی کنم باز؟

بذار الان خودم یه میز بلند پیدا می کنم. می رم به جوری ایستاده سخنرانی می کنم که همه فکر کنن ایران بیابون شخم زده، نه پادگان مارو.

آفرین بنیامین جان، این ایستاده سخنرانی کردن خیلی خوبه. فقط توی پناهگاه و امیستی، سرت به سقف نخوره!

حله. آخه این جایی که من بودم، برخلاف مکان گلانت، حتی توالنا هم سالم نمونده. وضعیتم طوریه که نمی تونم بشینم. مجبورم ایستاده سخنرانی کنم.

خوبی ش اینه می رم پشت میز، چیزی پیدا نیست فقط لرزش دستم رو چی کار کنم؟

اون بامن. توی رسانه می گیم این قدر حمله ناموفق بوده که داری وسط سخنرانی بندری می رقصی.

صفحه ۲
۲۱ مهر ۱۴۰۳
شماره ۱۱۵

هریس، حرص نخور، چاپ شد

سیاه ترین کتاب سفید هفته: کتاب

«دستاوردهای کامالا هریس» در ۱۹۱ صفحه چاپ شد و در صدر کتاب های

پرفروش وب سایت آمازون قرار گرفت. گفتنی است همه صفحات این کتاب سفید و خالی چاپ شده است! البته می شد یک کتاب با هزاران صفحه سفید چاپ کرد به نام «اقدامات عملی سازمان ملل جزایز نگرانی...» ببخشید! از اتاق فرمان اشاره می کنند که بابک های سیاه اگر چاپ شود، حق مطلب بهتر ادا خواهد شد.

«حالا دیر نمی شه» ترین وزیر هفته:

وزیر ارتباطات گفت: «رفع فیلتر وعده دولت است، اما نباید شتاب زده عمل کرد.» اتفاقاً به نظر ماهم نباید شتاب زده عمل کرد. چون اگر شتاب زده فیلترینگ پیام رسان ها برداشته شود، ناگهان فیلتر شکن فروش هاییکار و محتاجان شبشان می شوند. شما دلتان می آید عمو فیلتر شکن فروش شب گرسنه سر روی بالش بگذارد؟ تازه اگر وزیر این

هفته فیلترینگ را بردارد، مردم توقع دارند هفته بعد سرعت اینترنت افزایش یابد. هفته بعد هم که سرعت زیاد شد، توقع دارند بهای سنگین اینترنت کاسته شود. خب اگر قرار باشد در سه چهار هفته همه مشکلات اینترنتی کشور حل شود که بعداً مشکلی نمی ماند که وزیر در طول چهار سال مسئولیتش وعده حلش را بدهد.

بلوری ترین پلخمون هفته: رئیس

سازمان بورس گفت: «سه شرکت ما در مجموع به اندازه ۵۰۰ هزار میلیارد تومان زیان دارند، اما مدیران این شرکت ها به جای اینکه شب ها خوابشان نبرد، دنبال ریزنی هستند تا برکنار نشوند.» البته بین خودمان باشد، گویا منظور رئیس سازمان بورس از این سه شرکت ایران خودرو، سایپا و بانک آینده بود. پس بلوری ترین پلخمون این هفته به طور مشترک به مدیران این سه شرکت اهدا می شود. فقط یک نکته که رئیس سازمان بورس از قلم انداخت اینکه این مدیران با برکناری مشکل ندارند، با اینکه بعد از برکناری یک پست بالاتر و بهتر نگیرند، مشکل دارند.

رد پای فامیل بازی در سیاست، اقتصاد و فرهنگ، پررنگ تر شد (دبیر تلایه)

به هر فامیل دادی امتیازی که دیده این قدر بنده نوازی نه تنها اقتصاد و علم و فرهنگ شده حتی سیاست خاله بازی!

اجرای طرح کاهش سقف سوخت گیری (ایستا)

بیا یک دفعه بی بنزین نمایی شده تزریق ها قطره چکانی گمونم مثل خودرو، هفته بعد بگیری سوخت با طرح جوانی!

۲۶ درصد از جوانان کشور نه درس می خوانند و نه دنبال شغل هستند (شهردار)

نه درسی و نه کاری و نه باری خدایی در سرت آخر چه داری؟ نشستنی خانه تا اینکه بیارد از آن بالا برایت صد دلاری؟!

صوت لورفته تانیا هو: باید به ایران پاسخ سطحی بدهیم و بزرگش کنیم!

از بدی لبریز می بینم تو را خیره چون چنگیز می بینم تو را بی خودی قد قد نکن در هر کجا پیش چشمم ریز می بینم تو را

خاطرات یک فوتبالیست

به بهانه حاشیه‌های ایجاد شده درباره جدایی علی بیروز پرسپولیس و شکایت و شکایت‌کشی این دوازده‌گانه و بعد هم مصاحبه‌های خودشان و وکیل هایشان و... تصمیم گرفتیم برگ‌هایی از خاطرات سال‌های پیش یک فوتبالیست را که متأسفانه (یا خوشبختانه) مسئول هم بوده و در جریان پشت پرده فوتبال کشور قرار داشته است، با هم مرور کنیم.

شنبه: ایش

امروز خبر دادند یکی از بازیکنان اصرار کرده است تا از تیمش دستمزد بیشتری بگیرد. بعضی مدیران تیم هم گفته‌اند چون خوش چشم و ابرو هستی، اوکی. ولی برای اینکه پول بیشتر بدهند، دنبال راهکار گشته و به نتیجه نرسیده‌اند. بهشان یاد دادم که یک الحاقیه به قرارداد اضافه کنند، بعداً هم که گندش درآمد، بگویند «اوا! اینو کی اضافه کرده بوده؟ ایشش!»

یکشنبه: نمک گیر

گویا به همین زودی آن الحاقیه لو رفته است. یکی از پیشکسوتان تیم موضوع را رسانه‌ای کرده است. صدبار به این‌ها گفته بودم که سالی یک بار مسابقات پیشکسوتان ترتیب بدهید تا بیایند و یک جایزه و هدیه و شام و ناهاری بدهید تا نمک‌گیر شوند و دیگر کاری به کارتان نداشته باشند. گوش ندادند. این هم نتیجه‌اش. حالا باید فکر کنیم چطوری سر و ته قضیه را هم بیاوریم.

دوشنبه: شیرینی

موضوع حل شد. تیم و بازیکن از یکدیگر شکایت کردند و خلاص. همین باعث می‌شود که در دادگاه این یکی به آن یکی رضایت بدهد و آن یکی به این یکی و قضیه ختم به خیر شود. فقط این وسط یک پولی به جیب وکلا می‌رود که خب باید شیرینی‌اش را ازشان بگیریم.

سه‌شنبه: سیخ

رای کمیته آمد. کلی سبیل گرو گذاشتم رأیی بدهند که نه این بسوزد، نه آن. باین حال، یک عده این وسط به قول مشهوری‌ها کخ می‌ریزند و دو طرف دعوا را سیخ می‌زنند. برای آن عده که دارم، ولی کمیته هم گل کاشت باین رأی دادنش. طوری بازیکن را جریمه کرد که اگر خلاف بکند، بیشتر سود می‌کند تا ضرر.

چهارشنبه: گل به خونی

یکی نیست جلوی دهن این بازیکن را بگیرد. گفته است من فلان قدر به فلانی شیرینی داده‌ام که الحاقیه را بزند تنگ قرارداد و فیلمش هم موجود است. حالا رسانه‌ها همان را علم کرده‌اند و می‌گویند این نوعی رشوه است. بازیکن هر چند تا جام جهانی را دیده باشد و گل ملی و کلین شیت ملی داشته باشد، باز هم گاهی گل به خودی‌هایی می‌زند که جایش تا سال‌ها می‌سوزد.

پنجشنبه: بینه

فعلاً قرار شد همه دهن‌هایشان را ببندند تا ببینیم چه می‌شود. واقعاً این حجم از فعالیت را در دوران اوج بازی‌ام هم نداشتیم. کیست که قدر بدانند؟

با ختمان
باشگاه
فرهنگی
ورزشی



نه بابا، شیرینی قرارداد جدید!

مبارکه! تغییر کاربری دادین. تالار عروسی کردین؟

صفحه ۴
۲۱ مهر ۱۴۰۳
شماره ۱۱۵

بازی کودکان و تهدید صلح آپارتمانی



فرهنگ شهر وندی
فرهاد ناجی

محققان در راهروهای آرام آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی در سراسر جهان، تهدید بزرگی را کشف کرده‌اند و آن چیزی نیست جز صدای ناهنجار بی‌امان کودکانی که در حیات آپارتمان‌ها بازی می‌کنند. بله، درست شنیدید، خنده، قهقهه، فریاد، داد و بیداد، ناله، گریه و دیگر حس‌های درهم پیچیده بچه‌هایی که از دوران کودکی شان لذت می‌برند، توسط ائتلافی

★ قانون کنترل صدا

از ساکنان ناراضی که آرامش و سکوت روزانه خود را به این نویزهای ایجاد شده ترجیح می‌دهند. تهدیدی بزرگ تلقی شده است. در پاسخ به این بحران روبه رشد، هیئت مدیره و مدیر آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی به اجرای قانون کنترل صدا ملزم هستند که به طور خاص زمان بازی دوران کودکی

را هدف قرار می‌دهد. این قانون، بازی در فضای باز را به ساعت‌های مشخصی محدود می‌کند که به راحتی با برنامه‌های چرت زدن ساکنان سی تا صد سال همسو می‌شود. این قانون همچنین والدین را ملزم می‌کند که فرزندان خود را توجیه و اطمینان حاصل کنند که همه فعالیت‌های مربوط به بازی آن‌ها از قبل تأیید شده و زیر نظارت دقیق انجام می‌شوند.

فرار حیوانی



هفته گذشته شایعاتی درباره باغ وحش صفادشت تهران منتشر شد: از خبر تصرف عدوانی آن جاو سپس تعطیلی باغ وحش، حتی خبر رسید که حیوانات پس از اینکه گرسنه مانده اند، زخمی و تلف شده اند و البته گفته شد که بخشی از آن ها هم فرار کرده اند. این خبرها تأیید و تکذیب می شدند که در نهایت خبرگزاری ها گفتند حیوانات آن باغ وحش به پارک طبیعت پردیس منتقل شده اند و هر کدام که حال و توانش را داشته باشند، در طبیعت رهاسازی خواهند شد. برای همین با چند تن از این حیوانات گفت و گو کردیم که در ادامه می خوانید.

مرا: پسر جان من یک گونه مرال کمیاب هشتم... خمار بودم داداش. خودت رو بزار جای من، چند وقت بهت هیچی نرشه، چه حالی می شی؟

ما: خدانکنه من جای تو باشم. چرا این طوری شدی؟

مرا: رفیق ناباب... یکی بود هی می اومد باغ وحش موادش رو توی بوته ها قایم می کرد. من هم یه بار خوردم، خوشم اومد. از دفعه بعد برای من هم می آورد لای پوست پفک می داد بخورم. این طوری شدم. حالا داری یه چیزی بهم برشونی؟ خمار خمارم چون داداش...

ما: یه کم صبر کنین، قرار شده توی طبیعت رهاتون کنن تا آزاد زندگی کنین.

شیر و مار و مرال و خرس و گور و فیل و عقاب و خر و سگ و بقیه جک و جانورها: نه تو رو خدا! حاضرم همین جاکنچ قفس بمیریم، ولی توی این محیط زیست رها نشیم...

یکی قلاده می نداخت گردنت و می شدی ملوسک. مار، تو چی شدی؟

ما: از بس گرسنگی کشیدم، داشتم مثل جوراب پشت و رومی شدم و شکمم به پشت می چسبید. برای همین تصمیم گرفتم با فک و فامیل از لای فنس ها فرار کنیم.

ما: خب تو هم اشتباه کردی پسر جان. فکر کردی بیرون برات غذا چیدن؟

ما: نچیدن، ولی مردم از مار می ترسن. برای همین کیف داره که توی شهر راه بریم. شنیدم جوب آبشون هم پر از موشه. از همونا می خوریم.

ما: تو هم اشتباه کردی. این مردمی که می شناسم، نه تنها از شما ها نمی ترسن، که می گرفتنتون مثل توپ چند لایه توی هم می کشیدنتون و باهاتون بازی می کردن. اون موشا هم آدم می خورن. فکر کردی می تونی تو بخوری شون؟ مرال، تو در چه حالی؟ اصلا چه حیوونی هستی؟!

ما: خودت رو معرفی کن و بگو دستت چی شده؟

شیر: من یک توله شیرم که توی اسارت به دنیا اومدم. دستم هم زخم شده، چون کسی نبوده روش مرمکرم بریزه. بیا نگاه کن... اوف شده... پخخ!

ما: وای! نکن بچه جان! ترسیدم. شنیدیم که قصد داشتی فرار کنی. چرا؟

شیر: داداش، دارم می گم کسی حواسش به ما نبود. داشتیم از گرسنگی تلف می شدیم. بیا دست بز... دنده هام دراومده...

ما: نه، لازم نیست. از دور دارم می بینم. حالا فکر کردی اگه فرار می کردی، حال و روز بهتری داشتی؟ اونجا دست کم می تونستی جنازه بقیه حیونا رو که می مردن، بخوری. ولی فکر کردی اگه از باغ وحش می اومدی بیرون، باین قیمت گوشت، چیزی گیرت می اومد؟ فوقش توی آشغالای رستورانا یه دست خر گیر می آوردی که به دندون بکشی و بعد هم

نتیجه گیری

به هر حال، فقط زمان نشان می دهد که در برابر این سروصدا های ناهنجار یا دل نشین بلند می شوی، پنجره را باز می کنی، یک چیزی می گوئی و درخواست یک دقیقه سکوت می کنی یا با این شور و نشاط کودکان همراه می شوی و خنده ای روی لبانتان می آورد. دیگر انتخاب با خودتان است.

عایق صدا، راه حلی نوین

برخی ساکنان آپارتمان ها و مجتمع های مسکونی از آماکن سرپوشیده بازی که مملو از عایق صدا باشند، در مناطق مسکونی خود حمایت می کنند. آن ها به این نکته معتقدند که وقتی می توانیم ماهواره به مدار کره زمین بفرستیم، بی شک می توانیم یک زمین بازی بی صدا هم در محوطه های مسکونی خودمان ایجاد کنیم. چرا که نه؟!

ظهور پلیس بازی

برخی مجتمع های آپارتمانی حتی می توانند «پلیس بازی» استخدام کنند. این افسران که می توانند از بازنشستگان عزیز باشند، وظیفه نظارت بر میزان نویز در طول زمان بازی را دارند. این افراد که مجهز به دسی بل متروسوت هستند، در محوطه ها گشت می زنند و بای قانونی به وسیله پرخاش به اندازه میزان نویز تولیدی برخورد می کنند.



برای اینکه هیچ وزیری بادرست آب نخورد رئیس جمهور فرزین و همتی را مأمور مراقبت از بازار کرد

آب فوری های صیاط هیئت دولت

بیرانوند:

هیئت مدیره

پرسپولیس برای یک

فصل، ۵ میلیارد تومان

رتبه از من شیرینی

دامادی گرفت.

ارغیزی بلویند

فیلمش

حرکت موزونشان

در عروسی ام

را منتشر می کنم!

صفحه ۶

وزیر ارتباطات:

هر وعده رفع فیلترینگ کاملاً جدی است،

قطب به آن اما اشتباه زده عمل نمی کنیم

صفحه ۶

عضو کمیسیون اقتصاد مجلس: آن دسته از افراد

تعطیلی اینج شنبه ها به ضرر اقتصاد کشور است

که می فوایند از شنبه شروع کنند

صفحه ۶

ادعای تلویزیون رژیم صهیونیستی:

بسته اینترنت تسوی

بایدن پیشنهادی را به رژیم صهیونیستی درازای

حمله نکردن به اهدافی مشخص در ایران ارائه کرده است

صفحه ۶

۲۶ درصد از جوانان

فرزندان مسئولان

کشور به درس

نخوانده اند نه نیا

دارای شغل اند

صفحه ۶

مجلس اصرار

برنامه ای برای

افزایش قیمت برق

و بنزین ندارد

چون بدون برنامه هم

می شود دلار را

صفحه ۶

تست تصویری
محمد جواد قاضی خواه

گلایه قالیباف از بی نظمی نمایندگان:
نود دقیقه وقت مجلس را می گیریم و هیچ اتفاقی نمی افتد!

خبرآتلین

اتلاف وقت شما را یاد کدام تصویر می اندازد؟






آرش آریایی

آنچه بر نتایج او در عملیات وعده صادق ۲ گذشت






صفحه ۶
۲۱ مهر ۱۴۰۳
شماره ۱۱۵

ناسوس
فرشته شایان

وزیر جان! ببخود خودت رو قاطی
ما نکن! صرفه جویی ما فصلیه، به
زمستان سخت داریم برای گاز، به
تابستان گرم هم داریم برای برق.
باقی فصل ها از دیوار صدا درمی آد،
از ما دوتا داداشی نه، شما چی؟
کل یوم نت تون به چخ رفته، بین
خودمون باشه، به تفاهم بنویسیم
ما کار رو جمع کنیم؟ ها؟ همچین
صرفه جویی می دیم به خورد ملت،
روزی به اکسپلورم نکنن چه برسه
به مووی و موزیک، ها؟ چی گفتی؟

وفاق ملی
بابا برقی و
بابا گازی

عه تویی خاله؟! دلم
برات گشاد شده بود.
هر بار می بینمت واقعا
بالا می آم. به نظرم خیلی
مزخرف گفتی! سرعت
اینترنت عالیه. برای
بدتر شدنش به جز اسراف،
باید نمک شکن، هارو هم
بدن دست مامان زاده ها.
هرجا مامان زاده ها و نبود
رانتشون خروج داشته،
همه چی پرفکت شده.

دیی

وزیر ارتباطات درباره علت کندی اینترنت: وضعیت
موجود این روزها باعث افزایش حجم محتواهای تولید
و بروز اختلالات شبکه اینترنت در سراسر دنیا شده است.
(خبرآتلین)

چالش اصلی ما در وزارتخانه، نه کمبود زیرساخت
و پهنای باند و نه حتی لنگر کشتی، که نبود متولی
کاهش مصرف اینترنت از مبدأ، یعنی خانه هاست.
چطور آب هست ولی کم است، «هرگز نشه فراموش
لامپ اضافه خاموش»، «اسهال در کمین است»؟ به
اینترنت که می رسه هیچ؟ چطور پدر از کولر حساسی
مراقبت می کنن، از مودم نه؟ اصلاً مودم چه کم از لاله
قرمز و این صوبتا؟

مسئول انفصالات



از خانه تا سرکار

من کلا نمی توانم تصمیم بگیرم. پس از مدت ها توانسته ام کار پیدا کنم. الان ساعت ۸ صبح است و در ایستگاه اتوبوس نشسته ام. باید ساعت ۷ سرکار حاضر می شدم. اتوبوس های مختلفی به مقصد محل کار من آمده اند و رفته اند. اگر سوار می شدم، ممکن بود نفر بغل دستی ام دزد از کار دربیاید و تا پلیس اتوبوس را متوقف کند، یواشکی کیف پول را داخل کیف من بیندازد. شاید حتی نفر پشت سری در خوردن صبحانه کله پاچه زیاده روی کرده باشد و روی گردن من بالا بیاورد و ادکلن و لباس نوی روز اول کاری ام را به فنا دهد. شاید هم یکی نان سنگک تازه خریده باشد و به من تعارف کند یک لقمه بخورم و پشت همان لقمه سنگ باشد و دندانم بشکند. شاید مدیر سابقم روز دیدار مردمی اش باشد و سوار اتوبوس شده باشد و همان طور که در حال برطرف کردن مشکلات مردم جلوی دوربین است، بگوید مگر نگفته بودم دیگر نمی خواهم ریخت تورا ببینم؟! ساعت ۹ شده است. اصلا تاکسی بهتر است، البته اگر در تاکسی بحث سیاسی بالا نگیرد و کسی از من نظر نخواهد. چون من کمی درباره گرانی ها نقد دارم، ولی خب ممکن است سه مسافر دیگر تاکسی از ما موران خدومی باشند که قصد دارند نقطه نظرات مردم را به گوش مسئولان برسانند و گاهی خود مردم را!



اصلا حالا که ساعت ۱۰ شده است، باید ماشین دربست بگیرم



براساس داده های مرکز آمار ایران، ۲۶ درصد از جوانان ایرانی نه درس می خوانند و نه کار می کنند.



وزیر آموزش و پرورش: بیاین، این قدر الکی گیر می دین کمبود معلم داریم، خب وقتی ملت نمی خوان درس بخونن، چرا الکی معلم اضافه کنیم؟ ها؟

گروه همسبزبانان ایران: بابا ما فقط ۷۰ میلیون کاربر همستر داریم توی کشور، چه جوری ۲۶ درصد بیکارن؟



هادی عامل: نان پدر و شیر مادر حلال اونایی که کار می کنن.

صادق زیباکلام: اون درصدی هم که می آن دانشگاه، برای درس نیست، باور کنین دنبال ازدواجن، بنده خودم سرکلاس مشاهده کردم.

تاکسی اینترنتی: اگه جوونا قول بدن هم درس بخونن، هم اهل کار باشن، می تونن روی ما حساب کنن.

ایلان ماسک: واقعا اقتصاد عجیبی داره ایران، اگر نفرکاری کنن و نه درس می خونن، پس چی می خورن؟

اداره مهاجران اتباع خارجی: دوستان، نگران نباشین، هرچی جای خالی توی کار و درس داشتن، ما براتون پر می کنیم.

جواد خیابانی: بفرمایید، اینم دلیل علمی برای این که چرا هر اتفاقی می افته، می رین بنزین می زنین، بیکارین، صف دوست دارین.

ایران خودرو: کی می گه مردم کار ندارن؟ شما اجازه بده من یک طرح فروش خودرو بذارم ویژه شاغلین، اگه همه مردم کار پیدا نکردن که خودرو ثبت نام کنن! این خطا، این هم نشون!

صفحه ۷

۲۱ مهر ۱۴۰۳

شماره ۱۱۵



ایلان ماسک:

هیچ چیز مهم تر از رأی دادن به ترامپ نیست!

(همشهری)

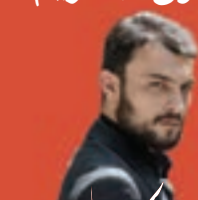
بیرانوند:
هیچ چیز مهم تر از شیرینی الحاقیه قرارداد نیست. لامصب هنوز جایش درد می کند.



بایدن:
هیچ چیز مهم تر از خوردن ماهی نیست. برای حافظه خیلی خوب است. اگر نخورید، می شوید مثل من و نشست خبری را با استخراشتباه می گیرید.



پسر مالک در زخم کاری:
هیچ چیز مهم تر از اینکه همه بدانید من پسر مالکم نیست، الان همه فهمیدید یا چند فصل دیگر «زخم کاری» بسازیم؟



نستایهوا:
هیچ چیز مهم تر از داشتن گنبد آهنین نیست. این قدر باحال است که حیفمان آمد استفاده کنیم.



محمود فکری:
هیچ چیز مهم تر از ادب مرد نیست که به ز دولت او باشد، ولی همه چیزهای مهم را هم که قرار نیست من داشته باشم.



راهکارهای مراقبت از بازار

در خبرها آمده بود که وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی مأمور مراقبت از بازار شده اند. برویم ببینیم این مراقبت از بازار دقیقاً چه شکلی است.



پلتفرم ها باید با تولید آثار حال خوب کن، تصمیمی عاجل برای ایجاد توازن اتخاذ کنند. (هفت صبح)

پلتفرم

عجب خوش آب و رنگی تو پلتفرم
چه دلخواه و قشنگی تو پلتفرم
همه چی می شه پیدا در تو یک جا
مثه شهر فرنگی تو پلتفرم
تمام حجم اینترنت رو یک جا
تو بلعیدی، نهنگی تو پلتفرم!
زمانی شاد و سرحالی و پرشور
حسابی شوخ و شنگی تو پلتفرم
زمانی هم پکر، افسرده و زار
حسابی خلق تنگی تو پلتفرم
زمانی مثل آهوایی، زمانی
پلنگی، تیزچنگی تو پلتفرم
زمانی در پی صلح و صفایی
زمانی اهل جنگی تو پلتفرم
همون لحظه که مثل یک کماندو
بر از توپ و تفنگی تو پلتفرم
یه جا سازنده ای، احسنت بر تو
یه جا مثل کلنگی تو پلتفرم!
می گیری هرچی فرهنگه نشونه
شبیبه تکه سنگی تو پلتفرم
می شی هی مثبت هجده، نه بیشتر!
بر از لفظ جفنگی تو پلتفرم
یه وقتایی کپی هم می کنی ها
کلک! خیلی زرنگی تو پلتفرم
یه وقتا هم به فیلمات آب می بندی!
مثه سیما، شیلنگی تو پلتفرم!
توازن نیست درکار تو اصلا
مثه الاکلنگی تو پلتفرم!
بگیر تصمیمتو ما هم بدونیم
گشادی یاکه تنگی تو پلتفرم!؟
بشو یک بار یارومی رومی
و یازنگی زنگی تو پلتفرم

الهی!
از مسئولان پرسیدیم: پس زخم هایمان چه؟ پاسخ دادند: هیچی.
جریان دارویی کشور نشستی دارد و به شما نمی رسد.
از تو تقاضا داریم به مسئولان در مقابله با قاچاق دارو کمک کنی
تا زخم هایمان رو به بهبود روند.